

## تحلیل ارسال خفی با تأکید بر سندهای روایات کتب اربعه

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۴/۱۱ - تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۶/۱۶

محمد صادق بخشی جویباری<sup>۱</sup>

### چکیده

گذر زمان و مشکلات پدید آمده در کتابت و استنساخ نگاشته‌های حدیثی آسیب‌هایی را دامن‌گیر اسناد روایات کرده است. ارسال و افتادگی و حذف واسطه در زنجیره سند، از جمله آن است. این نوشتار می‌کوشد تا با تکیه بر سندهای روایات کتب اربعه شیوه‌های شناخت ارسال خفی، چرایی و نشانه‌های آن در سند روایات کتب اربعه را کشف، تحلیل و بررسی نماید، سؤال اساسی اینکه چه عوامل یا نشانه‌هایی سبب ارسال خفی در سند روایات شده است؟ چه شیوه و راهکاری برای برون‌رفت معضل مربوط به ارسال در سندهای روایات وجود دارد؟ برای رسیدن به این هدف، روش‌هایی مانند طبقه‌شناسی و مقایسه اسناد همگون، تخریج سند و متن حدیث در دیگر مصادر روایی، اختلاف نسخه‌ها و دیگر قراین اجتهادی با نمونه‌هایی از آن در سندهای روایات کتب اربعه بررسی و در بخش دوم به چرایی و نشانه‌های ارسال خفی مانند؛ تصحیف در سند، قلب در نام راوی یا راویان در سند، همنامی برخی راویان در سند روایات کتب اربعه پرداخته شده است.

**کلیدواژه‌ها:** ارسال خفی، ارسال، تصحیف، تخریج، طبقه‌شناسی.

---

<sup>۱</sup>. پژوهشگر پژوهشگاه قرآن و حدیث قم؛ bakhshi.sadeg@gmail.com

## مقدمه

یکی از ویژگی‌های بارز در نگاشته‌های روایی، ارائهٔ اسناد، یعنی زنجیره‌ای پیوسته از راویان گزارشگر روایات از معصومان است. پس از تدوین کتب اربعه و استنساخ آن -توسط نسخه نویسان- در سده‌های بعد، اختلال و مشکلاتی در سندهای روایات کتب اربعه پدید آمده است و آسیب‌هایی چون ارسال، انقطاع، قلب در نام راوی و... دامن‌گیر تعدادی از روایات شده است. بخش قابل توجهی از مشکلات پدید آمده در احادیث متوجه سند روایات است و گاه تضعیف روایات، معلول افتادگی و ارسالی است که در سند روایات رخ داده است. کشف ارسال راه‌یافته در سند روایات مرحله‌ای مهم در سندشناسی است. قرینه‌هایی مانند شناخت طبقه راویان، شناسایی استادان و شاگردان، تاریخ ولادت و وفات راوی، قلب نام دو راوی و مقایسه اسناد مشابه در منابع حدیثی، ناپیوستگی و افتادگی احتمالی راه‌یافته به اسناد روایات را آشکار می‌کند. شناسایی ارسال اسناد، چرایی و راه‌های برون‌رفت آن، همواره از دغدغه‌های پژوهشگران این عرصه بوده است.

رویکرد نوشته حاضر، باتوجه‌بر تحلیل، علل و نشانه‌های ارسال خفی و راهکارهای شناخت آن باتأکید بر سندهای روایات کتب اربعه است. سؤال اساسی اینکه چه عوامل یا نشانه‌هایی سبب ارسال خفی در سند روایات شده است؟ چه شیوه و راهکاری برای برون‌رفت معضل مربوط به ارسال در سندهای روایات وجود دارد؟ توجه مقاله معطوف به پاسخ‌گویی سؤالات یادشده است. تحقیق پیش‌رو، در دو بخش تنظیم شده است: بخش نخست، روش‌های شناخت ارسال خفی و بخش دوم، شناسایی ارسال خفی در اسناد، چرایی و نشانه‌های آن در سند روایات با محوریت کتب اربعه.

### پیشینه پژوهش

نگارنده، پژوهشی مستقل در این باره نیافت؛ البته بن‌مایه‌هایی از آن، در برخی آثار و دست‌نوشته‌های رجالیان متأخر و بیشتر در میان آثار معاصران قابل دست‌یابی است. در میان اندیشمندان معاصر می‌توان به محقق اردبیلی در جامع الرواة<sup>۱</sup> آیت‌الله بروجردی در

۱. محقق اردبیلی در جامع الرواة به ترتیب اسامی راویان کتب اربعه، با شیوه‌ای خاص به آسیب‌های سند

الموسوعة الرجالية،<sup>۱</sup> آیت الله خویی در معجم رجال الحديث،<sup>۲</sup> آیت الله شبیری زنجانی در تعلیقاتی که بر سندهای روایات کتب اربعه نگاشته‌اند،<sup>۳</sup> و بهبودی در علل الحديث<sup>۴</sup> اشاره کرد که به اجمال به شناسایی ارسال در سندهای روایات کتب اربعه پرداخته‌اند، همچنین در سال‌های اخیر پژوهش مستقلاً در خصوص توضیح و تبیین اسناد مشکل کتب اربعه توسط سید جواد شبیری زنجانی انجام گرفته که تا حدودی به حل اختلافات و آسیب‌های سندهای روایات کتب اربعه پرداخته است.<sup>۵</sup> در این میان آیت الله خویی در مبحث «اختلاف الکتب» معجم رجال الحديث و آیت الله شبیری زنجانی در تعلیقاتشان بر سندهای روایات کتب اربعه تا حدودی به دلیل یا چرایی آن اشاره کرده‌اند. ناگفته پیداست که این قبیل نگاشته‌ها پیش در آمدی برای محققان و پژوهشگران بعد از ایشان است.

روایات از جمله ارسال، تصحیف و قلب و... اشاره کرده است.

۱. آیت الله بروجردی در الموسوعة الرجالية به ترتیب سندهای روایات کتب اربعه با شیوه‌ای خاص به آسیب‌های سند روایات اشاره کرده است؛ همچنین مطالب ارزشمندی در لابه‌لای تقریرات درس فقه و اصول از ایشان، توسط شاگردان ایشان، به یادگار مانده است که نگارنده از آن‌ها بهره جسته است.
۲. آیت الله خویی در معجم رجال الحديث که به بررسی رجالی راویان سندهای روایات کتب اربعه پرداخته و در بخش «طبقة فی الحديث و اختلاف الکتب» به افتادگی و سقط واسطه‌ها و اختلاف در نقل‌ها به اجمال پرداخته است.
۳. آیت الله شبیری زنجانی تعلیقه‌ای بر سندهای روایات کتب اربعه مرقوم داشته‌اند و به حذف واسطه‌ها و تا حدی به دلیل یا دلایل افتادگی‌های آن اشاره کرده‌اند. (حاشیه بر سندهای روایات کتب اربعه مخطوط) زیراکس و کی این تعلیقات در اختیار محققان و پژوهشگران دار الحديث قرار دارد.
۴. محمدباقر بهبودی در علل الحديث؛ برخی آسیب‌های سند روایات را با ذکر نمونه و تطبیق آن با روایات همسان در دیگر کتب اشاره کرده است، بی‌آنکه به تحلیل و یا دلیل آن اشاره کند.
۵. سید جواد شبیری زنجانی نگاشته‌های ارزشمندی در این خصوص تدوین نموده‌اند، که از جمله آن مجموعه دوجلدی «توضیح الاسناد المشکله فی الکتب الاربعه» است.

## مفهوم شناسی ارسال خفی

ارسال در لغت، مصدر باب افعال، از ریشه «رسل» به معنای آزاد کردن<sup>۱</sup> یا به معنای «إرسال الدابة»، یعنی برداشتن قیدوبند از آن است. در نگاه درایه نگاران ارسال در دو معنای خاص و عام به کاررفته است.<sup>۲</sup> مراد از مرسل به معنای خاص، حدیثی است که تابعی، آن را بدون واسطه به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اسناد دهد؛<sup>۳</sup> مراد از مرسل به معنای عام، حدیثی است که از سند آن همه یا برخی راویان آن حذف شده باشند؛<sup>۴</sup> بنابراین، هرگونه حذفی در سلسله سند، خواه عمدی یا سهوی، موجب ارسال در سند می‌شود که به دو صورت جلی و خفی قابل تقسیم است. برای شناخت افتادگی راویان زنجیره سند و برون رفت از این مشکل، معیارهایی وجود دارد.

### بخش اول: شیوه‌های شناسایی ارسال در سند روایات

از جمله مراحل که در تحقیق از اعتبار اسناد روایات، باید گذراند، شناسایی ارسال خفی در برخی اسناد روایات است؛ برای این منظور می‌توان راهکارها و ضوابطی را پیشنهاد کرد، در این مرحله، پنج راه کار اصلی برای این مقصود مورد شناسایی قرار گرفته است.

۱. لسان العرب: ج ۱۱، ص ۲۸۵، مجمع البحرین: ج ۵، ص ۳۸۳.
۲. درایه الحدیث فی علم مصطلح الحدیث: ص ۴۷، مقباس الهدایه: ج ۱، ص ۳۳۸.
۳. علوم الحدیث مصطلحه: ص ۱۶۶ (ما سقط منه الصحابی).
۴. الرعايه فی علم الدرايه: ص ۱۳۶. «هو ما رواه عن المعصوم من لم يدركه، سواء كان الساقط واحداً أو أكثر و سواء رواه بغير واسطة نسبها أو تركها أو أهمها...».
۵. گاه ارسال در سند جلی و آشکار است؛ در این گونه از ارسال، ملاقات بین راوی و مروی عنه محال و غیرممکن است؛ زیرا راوی، دوران زندگی مروی عنه را درک نکرده و با او دیدار شفاهی نداشته است (مقباس الهدایه: ج ۱ ص ۳۶۶، الفوائد الرجالیه: ص ۲۰۵ - ۲۰۴؛ علل الحدیث: ص ۱۳۸)؛ نوع دوم از ارسال، ارسال خفی و پنهان است؛ ارسال خفی موردی است که شاگرد از کسی که معاصر اوست، ولی ملاقاتی با او نداشته و یا ملاقات داشته، ولی حدیثی نشنیده نقل می‌کند و یا خبری که گزارش می‌کند با الفاظی ادا کند که از آن برداشت نقل سماع شود (تدریب الراوی: ص ۱۸۳، سبل السلام: ج ۴ ص ۲۲۹، النکت علی کتاب ابن الصلاح: ص ۲۴۸).

## ۱. طبقه‌شناسی راویان

یکی از مهم‌ترین معیارهای شناسایی ارسال در سند روایات، شناخت طبقه راویان حدیث است. «طبقه» به گروهی از راویان گفته می‌شود که تقریباً در یک مقطع زمانی زندگی کرده و از نظر سن به یکدیگر نزدیک هستند و احیاناً از محضر استادان یکسانی بهره برده‌اند.<sup>۱</sup> بدین ترتیب ناسازگاری پیوستگی راویان در هر جای سند واقع شود، خبر را مرسل می‌کند. برخی رجالیان با تقسیم بندی راویان و محدثان به صغار و کبار، میانگین عمر هر طبقه را سی سال می‌داند.<sup>۲</sup> همچنین راویان احادیث از اصحاب پیامبر ﷺ تا زمان شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) - نویسنده آخرین کتاب از کتب اربعه - را به دوازده طبقه<sup>۳</sup> و تا زمان خود را به ۳۶ طبقه تقسیم کرده است؛<sup>۴</sup> در ادامه به نمونه‌هایی از این روش در کشف ارسال روایات اشاره می‌شود.

**نمونه نخست:** در سند کافی چنین آمده:

عده من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن ابن أبي عمير، عن جابر، عن أبي جعفر عليه السلام  
و...<sup>۵</sup>

آیت‌الله بروجرودی،<sup>۶</sup> محقق اردبیلی،<sup>۷</sup> و محقق شوشتری<sup>۱</sup> و آیت‌الله شبیری زنجانی در تعلیقه‌اش بر سند کافی، با تبیین رابطه میان ابن‌ابی‌عمیر و جابر (بن یزید جعفی) به کشف افتادگی در سند رسیده است.

۱. طبقه: در اصطلاح حدیث شناسان: به گروهی که در سن و ملاقات استادان همسان باشند اطلاق شده است. «جماعة اشتركوا في السن واللقاء». الرعايه في علم الدرايه: ص ۱۷۴، مقباس الهدايه: ج ۳ ص ۴۸.
۲. نهاية التقرير، ج ۱ ص ۲۳۷، به نقل از المنهج الرجالی، ص ۹۷.
۳. الموسوعه الرجاليه: ج ۱، ص ۱۱۱-۱۱۳.
۴. ر. ک: الموسوعه الرجاليه، ج ۱، ص ۱۱۱-۱۱۳، البدر الزاهر، ص ۲۶-۲۷، المنهج الرجالی، ص ۹۷، دانشنامه جهان اسلام، ج ۳، ص ۲۵۳.
۵. کافی: ج ۳، ص ۴۸۹، ح ۱۴.
۶. تجريد اسانيد الكافي: ج ۱، ص ۸۶.
۷. جامع الرواه: ج ۱، ص ۱۴۶.

بی تردید روایت ابن ابی عمیر از جابر جعفی از نوع ارسال خفی است؛ زیرا جابر جعفی تابعی است و از اصحاب امامان باقر علیه السلام و صادق علیه السلام شمرده شده<sup>۲</sup> و متوفای سال ۱۲۸ ق<sup>۳</sup> یا ۱۳۲ ق<sup>۴</sup> است؛ اما ابن ابی عمیر متوفای سال ۲۱۷ ق است و از اصحاب امامان کاظم علیه السلام، رضا علیه السلام و جواد علیه السلام شمرده شده است. همچنین ابن ابی عمیر از جابر جعفی بی واسطه روایت ندارد. افزون بر آن این حدیث در نقل شیخ طوسی با واسطه سیف بن عمیره که از مشایخ ابن ابی عمیر است، نقل شده است.<sup>۵</sup>

**نمونه دوم:** شیخ طوسی در تهذیب الاحکام نقل می کند:

الحسین بن سعید، عن یحیی الحلبي، عن أبي عبدالله علیه السلام قال: إذا أذنت فی الارض و.

۶...

بی تردید روایت حسین بن سعید از یحیی (بن عمران) حلبی مرسل است؛ زیرا حسین بن سعید از اصحاب امام رضا، امام جواد و امام هادی علیه السلام به شمار می آید که تا سال ۲۴۵ ق زنده بوده است.<sup>۷</sup> اما یحیی حلبی از اصحاب امام صادق و کاظم علیه السلام شمرده شده است<sup>۸</sup> و قرینه و شاهی بر ملاقات این دو وجود ندارد. از سوی دیگر، طریق شیخ طوسی به کتاب حلبی، با واسطه حسین بن سعید از نصر بن سوید از یحیی حلبی است. تتبع در سندهای روایات نشان می دهد که بیش از ۴۲ مورد<sup>۹</sup> روایت حسین بن سعید از یحیی با واسطه نصر

۱. قاموس الرجال: ج ۲، ص ۵۴۷.

۲. رجال الطوسی: ص ۱۷۶، ش ۲۰۹۲.

۳. رجال النجاشی: ص ۱۲۸، ش ۳۲۲.

۴. رجال الطوسی: ص ۱۲۹، ش ۱۳۱۶.

۵. الامالی للطوسی: ص ۱۴۵، ش ۲۳۷.

۶. تهذیب الاحکام: ج ۲، ص ۵۲، ح ۱۳.

۷. رجال الطوسی: ص ۳۵۵، ش ۵۲۵۷ و ص ۳۷۴، ش ۵۵۳۸ و ص ۳۸۵، ش ۵۶۶۹.

۸. رجال الطوسی: ش ۴۸۲۳ و ش ۵۱۶۶.

۹. این آمار بر اساس جستجوی نرم افزار درایة النور استخراج شده است.

بن سوید است<sup>۱</sup> و روایتی از این دو بی‌واسطه گزارش نشده است. صاحب معالم نیز در منتقى الجمان ضمن یادکرد سند مذکور، نقل تهذیب را مرسل دانسته است.<sup>۲</sup>

**نمونه سوم:** تهذیب نقل می‌کند:

احمد بن محمد، عن البرقی، عن ثعلبة بن میمون وحسین بن زرارۃ قال: سالت أبا جعفر علیه السلام عن الرجل...<sup>۳</sup>

بررسی طبقه رجالی ثعلبه و حسین نشان می‌دهد این دو نمی‌توانند بی‌واسطه از امام باقر علیه السلام روایت کنند و واسطه افتاده است؛ زیرا ثعلبه از اصحاب امام صادق و کاظم علیهما السلام به شمار می‌آید<sup>۴</sup> و در زمان هارون الرشید زنده بوده است<sup>۵</sup> و حسین بن زراره نیز از اصحاب امام صادق علیه السلام است.<sup>۶</sup> جستجو در دیگر سندهای روایات این دو از امام باقر علیه السلام نشان می‌دهد واسطه در سند مذکور «زراره» است که در سند تهذیب افتاده است. مرحوم غفاری در تعلیقه‌اش بر تهذیب می‌نویسد: با توجه به همسانی طبقه این دو و اینکه هر دو از اصحاب امام باقر علیه السلام دانسته نشده‌اند، واسطه در سند سقط شده است.<sup>۷</sup>

## ۲. مصدریابی سند و متن حدیث در دیگر مصادر روایی

یکی از شیوه‌های شناخت ارسال خفی در سند روایات، مقایسه اسناد و عناوین سند مورد اختلال با اسناد و عناوین در ابواب مختلف یک کتاب یا دیگر منابع حدیثی است. کمتر نگاشته‌ای در گذر زمان بر اثر غفلت و بی‌توجهی و یا آگاهی نداشتن کاتبان یا نسخه‌نویسان از اطلاعات رجالی و حدیثی از آسیب‌های سندی مصون مانده است؛ لذا

- 
۱. الکافی: ج ۱، ص ۴۷، ح ۱، ص ۲۱۹، ح ۱، ص ۲۲۱، ح ۱، ص ۲۳۴، ح ۱، ص ۲۵۴، ح ۱، ص ۲۷۳، ح ۱، ص ۲۸۸، ح ۵ و ۶، ص ۳۹۹، ح ۱ و ...
  ۲. منتقى الجمان: ج ۱، ص ۵۰۲.
  ۳. تهذیب الاحکام: ج ۱۰، ص ۶۴، ح ۱۷.
  ۴. رجال الطوسی: ص ۱۷۴، ش ۲۰۵۸ و ص ۳۲۵، ش ۴۸۹۹ و ص ۳۳۳، ش ۴۹۶۰.
  ۵. رجال النجاشی: ص ۲۱۸، ش ۳۰۲.
  ۶. رجال الطوسی: ص ۱۹۵، ش ۲۴۳۶.
  ۷. تهذیب الاحکام: ج ۱۰، ص ۷۴، ح ۱۷.

مقابله سند و یا روایت با دیگر منابع روایی که آن روایت را گزارش کرده‌اند، پژوهشگر را از ارسال در سند مطلع می‌سازد. آیت‌الله خویی از این شیوه برای برون رفت از ارسال فراوان بهره جسته است.<sup>۱</sup>

**نمونه اول:** روایت احمد برقی از عبدالله بن یحیی در سند الکافی:

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَحْيَى عَنْ ابْنِ مَسْكَانٍ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ...<sup>۲</sup>

آیت‌الله بروجردی،<sup>۳</sup> مرحوم خویی<sup>۴</sup> و آیت‌الله شبیری زنجانی در تعلیقه‌اش بر اسناد الکافی، بر این باورند که در سند افتادگی رخ داده است و واسطه حذف شده در سند را میان احمد برقی و عبدالله بن یحیی «عن ایبه» می‌دانند؛ زیرا خبر مذکور در جای دیگر الکافی<sup>۵</sup> و نیز در المحاسن<sup>۶</sup> گزارش شده و در آن احمد برقی با واسطه پدرش از عبدالله بن یحیی روایت کرده است.

**نمونه دوم:** در سندی از الکافی چنین آمده است:

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ سَنَانَ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: ...<sup>۷</sup>

روایت محمد بن سنان از ابان مرسل است؛ زیرا خبر یادشده در دیگر مصادر حدیثی چون رجال کشی و نیز با اندک تفاوت در کتاب الاختصاص<sup>۸</sup> آمده و در آن‌ها محمد بن سنان با واسطه حریر از ابان روایت می‌کند. آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله خویی بر این باورند که

۱. معجم رجال الحديث: ج ۱، ص ۱۳۱ و ۱۳۷ و ۳۳۲ و ج ۲، ص ۹۶، ش ۲۷۰.

۲. الکافی: ج ۱، ص ۵۳، ح ۱.

۳. الموسوعة الرجالية: ج ۱، ص ۴۴۰ و ج ۴، ص ۲۲۵.

۴. معجم رجال الحديث: ج ۱۰، ص ۳۷۶، ش ۷۲۲۱.

۵. الکافی: ج ۲، ص ۳۹۸، ح ۷.

۶. المحاسن: ج ۱، ص ۳۸۳، ح ۲۵۰.

۷. الکافی: ج ۱، ص ۴۶۹، ح ۲.

۸. اختیار معرفة الرجال: ش ۸۸، الاختصاص: ص ۶۲.



افتادگی در سند رخ داده است؛<sup>۱</sup> محقق شوشتری<sup>۲</sup> و آیت الله شبیری زنجانی معتقدند نام «حریز» در سند سقط شده است.

### ۳. بررسی طرق

یکی دیگر از شیوه‌های اثبات ارسال خفی در سند روایات بررسی روایانی است که در طریق به صاحبان کتاب واقع شده‌اند. در این صورت با مراجعه به کتاب‌های فهرست و مشیخه می‌توان به افتادگی در سند مطلع گشت؛ کتبی مانند فهرست شیخ طوسی، رجال نجاشی، یا مشیخه شیخ در تهذیب الاحکام و الإستبصار و مشیخه شیخ صدوق در من لایحضره الفقیه به این موضوع اختصاص یافته است. از این رو، بررسی دقیق طریق هریک از روایات به مشایخشان از مواردی است که ما را از ارسال خفی و افتادگی در سند مطلع می‌سازد. نمونه نخست:

علی بن ابراهیم عن یاسر الخادم والرئان بن الصلت، جميعاً قال: ...<sup>۳</sup>

آیت الله بروجردی،<sup>۴</sup> و محقق شوشتری،<sup>۵</sup> باتوجه به تبیین رابطه میان علی بن ابراهیم، یاسر و ریان، روایت بی‌واسطه او از یاسر و ریان را ناسازگار دانسته و به ارسال سند حکم نموده‌اند؛ دلایل ارسال، واقع شدن «أبیه» (ابراهیم بن هاشم) بعد از علی بن ابراهیم در طریق شیخ طوسی و صدوق به کتاب ریان بن صلت است.<sup>۶</sup> افزون بر آن تتبع در سایر سندهای روایات نشان می‌دهد روایات علی بن ابراهیم از ریان با واسطه پدرش است. نمونه دوم:

۱. الموسوعة الرجالية: ج ۴، ص ۲۲، معجم رجال الحديث: ج ۱، ص ۱۵۲، ش ۲۸.

۲. قاموس الرجال: ج ۱، ص ۱۰۵، ش ۱۷.

۳. الکافی: ج ۱، ص ۴۸۸، ح ۷.

۴. ر. ک. الموسوعة الرجالية: ج ۱، ص ۲۵۶ و ج ۴، ص ۱۵۳، ص ۲۳۷ و ج ۶، ص ۵۳ و ۱۴۰۹، ص ۲۹۸، ش ۷۰۸.

۵. قاموس الرجال: ج ۴، ص ۳۹۸، ش ۲۸۹۶.

۶. الفهرست: ص ۷۱، ش ۲۸۵، من لایحضره الفقیه: ج ۴، ص ۴۳۲، المشیخه.

محمد بن یحیی عن محمد بن الحسین عن محمد بن سنان عن عمار بن مروان عن جابر  
قال: قال ابو جعفر علیه السلام: ...<sup>۱</sup>

آیت الله شبیری زنجانی در کشف ارسال و افتادگی یک راوی از سند یادشده از شیوه بررسی طریق به کتاب راوی بهره برده است و بر این گمان است که عمار بن مروان در طریق ابو غالب زراری<sup>۲</sup> و شیخ طوسی<sup>۳</sup> و نجاشی<sup>۴</sup> به کتاب جابر بن یزید جعفی از «منخل» و او از جابر نقل روایت کرده است. در تقویت ادعای مذکور باید افزود که خبر مذکور در گزارش بصائر الدرجات، محمد بن سنان از عمار بن مروان او از منخل از جابر دارد.<sup>۵</sup>

#### ۴. اسناد ناهمگون نسخه های یک کتاب روایی

بی شک برخی افتادگی و ارسال در سند روایات به بعضی از نسخه های کتاب های حدیثی مربوط است و از سوی نسخه نویسان و یا سهو قلم مؤلف و یا جهات دیگر پدید آمده اند. بدیهی است با کنار هم قرار دادن اسناد نسخه های مختلف و مقابله آن ها اعم از نسخه های همان کتاب و یا نسخه های دیگر کتب حدیثی که آن حدیث را نقل کرده اند، می توان به ارسال احتمالی اسناد روایات پی برد. بدین سان گاه اختلاف نقل ها در برخی نسخه ها عامل حذف و افتادگی در سند روایات را فراهم آورده است که با نسخه شناسی منابع روایی و با کنار هم قراردادن اسناد نسخه های گوناگون تصحیح شده و خطی و چاپی و مقایسه آن ها، می توان این مشکل را شناسایی کرد و از این گونه آسیب ها رهایی یافت.

**نمونه اول:** شیخ طوسی در استبصار با سند خود چنین آورده است:

علی بن ابراهیم، عن آدم بن اسحاق، عن عبدالله بن محمد الجعفی قال: كنت عند أبي

۱. الکافی: ج ۱، ص ۴۰۱، ح ۱.

۲. رساله ابی غالب زراری: ص ۱۶۷، ش ۳۷.

۳. الفهرست: ص ۴۵، ش ۱۴۷.

۴. رجال النجاشی: ص ۱۲۹، ش ۳۳۲.

۵. بصائر الدرجات: ص ۲۰، ح ۱.

جعفر عليه السلام و جاءه كتاب هشام بن عبدالملك و... الحديث.<sup>۱</sup>

به باور آیت الله خویی این روایت در نسخه خطی تهذیب الاحکام چنین آمده؛ علی بن ابراهیم عن ابيه عن آدم بن اسحاق عن عبدالله بن محمد الجعفی و...؛ و صحیح همین نقل است و موافق با نقل الکافی و التهذیب و الوافی و وسائل الشیعه است.<sup>۲</sup> دلایل و قرائن - موجود گویای نادرستی نقل استبصار دارد. همچنین جستجو در سندهای روایات نشان می دهد کلینی با دو واسطه و بیشتر از علی بن ابراهیم از ابراهیم بن هاشم از آدم بن اسحاق روایت نقل کرده است.<sup>۳</sup>

**نمونه دوم:** در نسخه ای از تهذیب چنین آمده است:

ما أخبرني به الشيخ أئده الله تعالى عن أبي القاسم جعفر بن محمد عن محمد بن يعقوب عن علی بن ابراهیم عن ابن ابی عمیر عن ابن أذینه عن أبي اسامة قال: سألت أبا عبدالله عليه السلام عن الجنب يعرق في ثوبه أو...<sup>۴</sup>

این خبر در نسخه خطی تهذیب الاحکام چنین آمده... علی بن ابراهیم عن ابيه - ابراهیم بن هاشم - عن ابن ابی عمیر...<sup>۵</sup> و همین سند موافق است با نسخه های الکافی،<sup>۶</sup> الاستبصار،<sup>۷</sup> وسائل الشیعه<sup>۸</sup> و الوافی.<sup>۹</sup> بررسی سندهای روایات نشان می دهد که از مجموع ۲۲۲۹

۱. الاستبصار: ج ۴، ص ۲۴۶، ح ۹۳۰.

۲. معجم رجال الحديث: ج ۱، ص ۱۲۰، ش ۳.

۳. ر. ک. الکافی: ج ۵ ص ۴۸۹، ح ۳ و ج ۷، ص ۲۲۸، ح ۲، تهذیب الاحکام: ج ۴، ص ۳۲۲، ح ۵ و ص ۳۸۰، ح ۲۳۷ و...

۴. تهذیب الاحکام: ج ۱، ص ۲۶۸، ح ۷۸۶ چاپ بیروت، تحقیق و تعلیق از حسن موسوی خراسان.

۵. معجم رجال الحديث: ۲۲، ص ۱۰۹.

۶. الکافی: ج ۳، ص ۵۲، ح ۱.

۷. الاستبصار: ج ۱، ص ۱۸۴، ح ۱.

۸. وسائل الشیعه: ج ۲، ص ۲۶۷، ح ۲۱۲۱ و ج ۳، ص ۴۴۴، ح ۴۱۲۲.

۹. معجم رجال الحديث: ج ۲۲، ش ۱۰۹.

مورد<sup>۱</sup> روایت علی بن ابراهیم از ابن ابی عمیر جز اندک مواردی که به دلایلی واسطه افتاده است، در سایر موارد با واسطه پدرش گزارش کرده است.<sup>۲</sup>

## ۵. قراین و شواهد اجتهادی

گاه برای دست یابی به اختلال و حذف واسطه در سند روایات از شیوه قرائن، شواهد و اجتهادات شخصی کمک می‌جویم تا آسیب وارده بر سند مشخص گردد. برخی از این قراین عبارت‌اند از:

### الف) بررسی دیگر اسناد روایات

از قرائن کشف ارسال در سند، بررسی و مقایسه اسناد روایات یک راوی در ابواب مختلف یک کتاب یا دیگر منابع روایی است. از این رهگذر، ارسال احتمالی راه یافته به اسناد تا حد زیادی روشن می‌شود. آیت‌الله خویی برای شناسایی اختلال در اسناد روایات از این شیوه بهره جسته است.

نمونه اول: روایت حسین بن سعید از ابان؛ شیخ طوسی با سند خود نقل می‌کند:

عن الحسين بن سعيد عن القاسم بن محمد و أبان - بن عثمان - عن اسماعيل بن الفضل عن أبي عبد الله عليه السلام و...<sup>۳</sup>

بررسی سندهای روایات حسین بن سعید از ابان بن عثمان نشان از ارسال در روایت او از ابان دارد؛ زیرا بیشتر روایات این دو در کتب اربعه با واسطه گزارش شده و واسطه در آن قاسم بن محمد است. مرحوم خویی در مقایسه روایات آن دو می‌گوید:

والصحيح الحسين بن سعيد عن القاسم بن محمد عن ابان وذلك بقريئة ساير الروايات فان الحسين بن سعيد روى عن ابان بن عثمان بواسطة القاسم بن محمد في كثير من الروايات ولاختلاف الطبقة.<sup>۴</sup>

نمونه دوم: کلینی در سندی از الکافی چنین آورده:

۱. این آمار با استفاده از نرم افزار درایة النور استخراج شده است.

۲. این آمار غیر از مواردی است که علی بن ابراهیم و ابن ابی عمیر با اسامی دیگر در سندها آمده است.

۳. تهذیب الاحکام: ج ۹، ص ۱۵۰، ح ۵۹.

۴. معجم رجال الحدیث: ج ۳، ص ۱۸۵، ش ۱۴۳۰.

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هِلَالٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عُدَّافِرٍ  
 قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَصُومُ هَذِهِ الثَّلَاثَةَ الْأَيَّامَ...<sup>۱</sup>

آیت الله بروجردی در کشف ارسال و افتادگی یک راوی از سند یادشده از روش دقت به دیگر سند‌های روایات عمروبن عثمان بهره برده است.<sup>۲</sup> گزارش عمروبن عثمان از عذافر در هشت سند کتاب الکافی وجود دارد<sup>۳</sup> که تنها در این سند به صورت مستقیم و بی واسطه از عذافر بن عیسی الصیرفی روایت کرده است. همچنین در کتب اربعه و کتاب وسائل الشیعه روایتی از عمروبن عثمان از عذافر بن عیسی گزارش نشده است.

### ب) بررسی اسناد مشابه

گاه در شناسایی و کشف ارسال خفی در سند روایات از مقایسه کردن روایاتی که اسنادشان شبیه‌اند می‌توان راهی برای مشخص کردن آسیب ارسال احتمالی در سند بهره گرفت؛ مانند روایت قاسم بن محمد از اسماعیل جعفری؛ شیخ طوسی در تهذیب چنین آورده است.

عنه (الحسین بن سعید)، عن القاسم بن محمد، عن اسماعيل الجعفي قال: قال ابو جعفر عليه السلام: من تصدق بصدقة...<sup>۴</sup>

شبیه سند یادشده در سه جای دیگر تهذیب الاحکام آمده است که در تمامی آن‌ها قاسم بن محمد (جوهری) از اسماعیل جعفری با واسطه ابان بن عثمان گزارش کرده است<sup>۵</sup> و این نشان از ارسال و افتادگی در سند مذکور دارد و واسطه حذف شده در سند «ابان» است.

۱. الکافی: ج ۴، ص ۱۳۰، ح ۲.

۲. ر. ک. الموسوعة الرجالية: ج ۱، ص ۳۸۵، ج ۸، ص ۲۷۵.

۳. ر. ک. الکافی: ج ۲، ص ۳۷۶، و ص ۴۶۱، ح ۷ و ج ۳، ص ۲۵۴، ح ۱۴، ص ۴۵۷، ج ۱ و ج ۳، ص ۴۸۹ و ج ۵، ص ۳۳، ح ۵ و ص ۱۹۸، ح ۱.

۴. تهذیب الاحکام: ج ۹، ص ۱۵۰، ح ۶۰.

۵. تهذیب الاحکام: ج ۱، ص ۱۷۱، ح ۶۰ و ج ۲، ص ۹۲ و ج ۸، ص ۳۲۳، ح ۱۵.

## بخش دوم: چرایی ارسال خفی در سند روایات

از دیگر آسیب‌هایی که از دوران استنساخ کتب حدیثی به برخی سندهای روایات راه یافته، ارسال خفی است؛ روشن است کشف این آسیب و حکم به تصحیح حلقه نقل با بهره‌گیری از دانش طبقه شناختی راویان، وجود روایت در دیگر منابع روایی، جستجو در اسناد همگون آن و راه‌های دیگر به دست می‌آید. بدین‌سان از مراحل بررسی درستی و صحت اسناد روایات، شناخت دلایل یا نشانه‌های ارسال خفی است؛ از این‌رو، می‌توان نشانه‌ها، شاخصه‌ها و یا دلایلی را شناساند که در حل افتادگی راوی در سند از نوع ارسال خفی کارگشا باشد. بدین ترتیب، بررسی سندهای روایات کتب اربعه نشان می‌دهد، سه گزاره اساسی، همراه با گردآوری نمونه‌های مختلف و ارزیابی دلایل آن در سند روایات کتب اربعه، آسیب از نوع ارسال و افتادگی در سند روایات قابل‌شناسایی است. هرچند ممکن است این استقراء تام نباشد، ولی بررسی سندهای روایات بیشتر این موارد را نشان می‌دهد.

### ۱. تصحیف در نام راوی

یکی از آسیب‌هایی که حدیث در مرحله گزارش با آن روبه‌رو می‌شود، تصحیف و تحریف است؛ گاه در جریان نقل حدیث، تغییراتی صورت می‌گیرد که معمولاً در نام یا لقب راوی یا نام پدر وی و یا جابه‌جایی در حروف وابسته به سند مانند «عن» به «و» یا «بن» به «عن» و بالعکس نمایان می‌گردد؛ این تغییرات سبب می‌شود راوی سند با فرد دیگر مشتبه شود و آن نام بر افراد متعدد منطبق شود نام‌های جدیدی که برخی از آنان - به لحاظ طبقه شناختی - شایسته قرارگیری در زنجیره نقل را ندارند؛ از این‌رو، گاهی این‌گونه تغییر در نام راوی و مانند آن سبب ارسال در سند حدیث می‌شود و روایت را از اعتبار ساقط می‌کند. هم‌اینک به چند نمونه آن اشاره می‌گردد.

**نمونه نخست:** در سند تهذیب الاحکام آمده است:

محمد بن أحمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد بن أبی نصر عن الحسن بن علی بن  
أبی حمزه عن أبی الحسن علیه السلام قال: قلت له: إن أبی هلك و ترک جاریتین قد دبرهما و أنا

مَنْ أَشْهَدُ لَهَا وَعَلَيْهِ دَيْنٌ كَثِيرٌ فَمَا رَأَيْكَ؟ فَقَالَ وَ...<sup>۱</sup>

آیت الله بروجردی در بررسی سند این حدیث می نویسد باتوجه به همسانی طبقه بزنطی و حسن بن علی بن ابی حمزه و واقفی بودن ابن ابی حمزه، در سند تهذیب «حسن بن» در نام حسن بن علی بن ابی حمزه زیادی است.<sup>۲</sup> نگارنده معتقد است روایت حسن بن علی بن ابی حمزه از ابوالحسن در سند تهذیب الاحکام مرسل است و تصحیف، سبب ارسال شده است و صحیح آن چنین است. «احمد بن محمد بن ابی نصر، عن الحسن بن علی، عن ابی حمزه، عن ابی الحسن علیه السلام قال: ...»؛ بررسی روایات بزنطی در سندهای روایات کتب اربعه نشان می دهد که روایتی از احمد بن محمد بن ابی نصر از حسن بن علی بن ابی حمزه غیر از خبر مذکور گزارش نشده است و نیز روایت حسن بن علی بن ابی حمزه از ابی الحسن علیه السلام در مصادر روایی یافت نشده است و نیز بررسی سند روایات تهذیب الاحکام نشان می دهد که ابن ابی نصر بزنطی در جای دیگر از حسن بن علی - بدون توصیف به وصفی - نقل روایت کرده است.<sup>۳</sup> از این رو، مراد از حسن بن علی در سند تهذیب الاحکام، حسن بن علی بن یقظین است. وی از اصحاب امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام است<sup>۴</sup> از سوی دیگر محذوری در روایت بزنطی از حسن بن علی بن یقظین به لحاظ طبقه شناسی وجود ندارد و روایت بزنطی از حسن بن علی بن یقظین در دیگر سندهای روایات نیز گزارش شده است.<sup>۵</sup>

**نمونه دوم:** در سند الکافی چنین آمده است:

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى بْنِ يَزِيدَ، قَالَ: كَتَبْتُ جَعَلْتُ لَكَ

۱. تهذیب الاحکام: ج ۸، ص ۲۶۲، ح ۹۵۳.

۲. الموسوعة الرجالية: ج ۲، ص ۲۸۷.

۳. تهذیب الاحکام: ج ۸، ص ۳۱۰، ح ۲۶.

۴. رک. رجال البرقی: ص ۵۱، رجال الطوسی: ص ۳۵۴، ش ۵۲۴۲، الفهرست: تحقیق سید صادق بحر العلوم، ص ۴۸، ش ۱۵۵.

۵. رک. وسائل الشیعه: ج ۲، ص ۹۵، ح ۱۴۹۹، ص ۱۰۷، ح ۱۶۳۱.

الفداء، تعلّمني ما الفائدة و ما حدّها و... الخبر.<sup>۱</sup>

آیت الله بروجردی «بن یزید» در سند مذکور را تصحیف شده «عن یزید» دانسته است.<sup>۲</sup> آیت الله خوبی نیز ذیل خبر مذکور می نویسد: در برخی نسخه های الکافی احمد بن محمد بن عیسی عن یزید آمده و بعید نیست همین نسخه صحیح باشد و احمد بن محمد بن عیسی همان اشعری است.<sup>۳</sup> نگارنده براین باور است تصحیف در نام «بن یزید» به جای «عن یزید» رخ داده و روایت احمد اشعری از یزید - بن اسحاق - نیز مرسل است. بدین سان تصحیف سبب ارسال و افتادگی در سند مذکور شده است؛ زیرا نام احمد بن محمد بن عیسی بن یزید در هیچ یک از مصادر روایی و رجالی ذکر نشده است؛ و جستجو در سند روایات کتب اربعه نشان می دهد که احمد اشعری از یزید - بن اسحاق - در منابع روایی با واسطه گزارش دارد.<sup>۴</sup> افزون بر آن، به لحاظ طبقه شناختی احمد اشعری متوفای ۲۸۰ ق است و نمی تواند از یزید بن اسحاق از اصحاب امام صادق علیه السلام نقل روایت کند.<sup>۵</sup> بنابراین فاصله زمانی زندگی این دو نمایانگر حذف واسطه است.

**نمونه سوم:** در سند الکافی چنین آمده است:

محمد بن ابی عبدالله، عن محمد بن اسماعیل، الحسين بن بن الحسن، عن بکر بن صالح، عن علی بن اسباط، عن الحسن بن الجهم، عن بکیر بن اعین، قال: قلت لأبی عبدالله علیه السلام علم الله و مشیتته هما مختلفان و...<sup>۶</sup>

آیت الله بروجردی ذیل سند مذکور چند احتمال یادآور شده است؛ نخست آن که روایت حسن بن جهم از جدّش بکیر بن اعین، مرسل باشد، از این رو، احتمال دارد بکیر بن اعین

۱. الکافی: ج ۱، ص ۵۴۵، ح ۱۲.

۲. الموسوعه الرجالیه: ج ۱، ص ۴۶۵ و ج ۴، ص ۵۷ و ۳۹۴.

۳. معجم رجال الحدیث: ج ۲، ص ۳۱۸، ش ۹۰۴.

۴. ر. ک. الکافی: ج ۲، ص ۵۵، ح ۱، تهذیب الاحکام: ج ۸، ص ۱۲۲، ح ۴۲۲، الاختصاص: ۲۲۶، ح ۴ و ص ۲۳۲، ح ۴.

۵. رجال الطوسی: ش ۴۷۴۸.

۶. الکافی: ج ۱، ص ۱۰۹، ح ۲.



تصحیف شده ابن بکیر باشد؛<sup>۱</sup> احتمال دیگر «عن بکیر بن اعین» در سند تصحیف شده «بن بکیر» است، در این فرض روایت حسن بن جهم بن بکیر بن اعین از ابوعبدالله مرسل می‌شود.<sup>۲</sup> محقق شوشتری<sup>۳</sup> و آیت‌الله خوبی<sup>۴</sup> نیز براین باورند که «عن بکیر» در سند مذکور تصحیف شده «ابن بکیر» است.

به نظر می‌رسد، با توجه به ارسال روایت حسن بن جهم از بکیر بن اعین و نیز ارسال روایت حسن بن جهم بن بکیر بن اعین از ابوعبدالله، در سند یادشده تصحیف رخ داده است و صحیح آن چنین است: «حسن بن جهم عن ابن بکیر بن اعین» یا «حسن بن جهم عن عبدالله بن بکیر بن اعین»؛ زیرا روایت حسن بن جهم از عبدالله بن بکیر یا از ابن بکیر در سندهای روایات گزارش شده است<sup>۵</sup> و روایت ابن بکیر از ابوعبدالله در موارد زیادی از سندهای روایات آمده است.<sup>۶</sup>

## ۲. قلب در نام راوی

از دلایل ارسال خفی در سند روایات وقوع قلب و جابه‌جایی در نام راویان است. این نوع آسیب جایی است که اسم یک راوی با راوی دیگری از همان سند یا اسم راوی با اسم پدرش جابه‌جا شوند. این امر می‌تواند اختلال در سند ایجاد کند و روایت مسند، مرسل شود که از جمله نشانه‌های ارسال خفی در سند را فراهم می‌سازد و بدین‌سان شناسایی آن دشوار می‌شود.

**نمونه اول:** در یکی از اسناد کافی چنین آمده است:

۱. الموسوعه الرجالیه: ج ۱، ص ۲۸۹.

۲. الموسوعه الرجالیه: ج ۴، ص ۱۰۰.

۳. قاموس الرجال: ج ۲، ص ۳۸۷، ش ۱۱۹۴.

۴. معجم رجال الحدیث: ج ۴، ص ۵۰۷ و ج ۳، ص ۵۲۵.

۵. ر.ک. تهذیب الاحکام: ج ۴، ص ۳۱، ج ۱ و ج ۱۰ ص ۱۱۷ ح ۸۵ و ج ۴، ص ۲۴۶، ح ۱۱.

۶. ر.ک. کافی: ج ۲، ص ۵۶، ح ۳، ص ۱۳۱ ح ۱۲، ص ۳۱۰ ح ۱۰، ص ۶۳۰ ح ۱۴، ج ۳، ص ۲۱۹ ح ۸.

ص ۳۹۷، ح ۱، ج ۴، ص ۴۵۶، ح ۴، ج ۶، ص ۱۵۸، ح ۲۳ و...

محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد، عن محمد بن خالد، عن القاسم بن عروة، عن محمد بن أبي عمير، قال: سألته أبا عبد الله عليه السلام عن الصّلاه يوم الجمعة، فقال: نزل بها جبرئيل مضيقه إذا زالت الشمس و...<sup>۱</sup>

تتبع در اسانید روایات قاسم بن عروه از ابن ابی عمیر، نشان از قلب و جابه جایی دو عنوان در سند مذکور دارد؛ زیرا در سایر سندهای روایات خلاف این ترتیب آمده است؛ یعنی در دیگر سندهای ابن ابی عمیر از قاسم بن عروه روایت کرده است،<sup>۲</sup> بر فرض صحت نقل الکافی، چنان که در مبحث پیشین گذشت روایت ابن ابی عمیر از امام صادق عليه السلام مرسل است؛ افزون بر آن، روایت قاسم بن عروه از ابن ابی عمیر، تنها در این مورد آمده است.

**نمونه دوم:** سندی از تهذیب الاحکام چنین است:

والذی رواه موسى بن القاسم، عن الحسين بن المختار، عن صفوان بن يحيى، عن عبدالرحمن بن الحجاج، عن أبي الحسن عليه السلام قال: سأله عباد البصرى عن متمتع لم يكن معه هدى و...<sup>۳</sup>

در سند قلب رخ داده است و صحیح آن چنین است، صفوان بن یحیی عن الحسین بن المختار؛ آیت الله بروجردی بر این باور است که سند مقلوب است.<sup>۴</sup> دلیل آن فراوانی روایت بی واسطه موسی بن القاسم از صفوان است که تنها در تهذیب الاحکام حدود نود مورد آن گزارش شده است<sup>۵</sup> و روایتی از حسین بن مختار از صفوان در منابع روایی گزارش نشده است. از سوی دیگر حسین بن مختار تا سال ۱۷۹ ق زنده بود و اگر در همین سال درگذشته باشد، موسی بن القاسم حیات او را درک نکرده است و صفوان متوفای سال ۲۱۰ ق است. از سوی دیگر راویان حسین بن مختار در طبقه صفوان قرار دارند؛ راویانی مانند حماد بن

۱. الکافی: ج ۳، ص ۴۲۰، ش ۴.

۲. الکافی: ج ۱، ص ۴۵۶، ج ۲، ص ۲۳۲، ج ۴، ص ۱۰۰، ج ۱، ص ۷، ج ۷، ص ۲۸۴، ح ۱ و...

۳. تهذیب الاحکام: ج ۵، ص ۲۳۱، ح ۱۲۲.

۴. الموسوعه الرجاليه: ج ۲، ص ۴۳۸.

۵. الموسوعه الرجاليه: ج ۲، ص ۳۳۸-۳۴۲.

عیسی،<sup>۱</sup> ابن ابی عمیر،<sup>۲</sup> علی بن حکم انباری،<sup>۳</sup> بنابراین قلب در عنوان مذکور سبب افتادگی و حذف در سند شده است.

### ۳. همنامی برخی راویان

از آسیب‌های سند روایات، همنامی برخی راویان در طبقات گوناگون است. بی‌تردید نام‌های بسیاری در اسناد روایات کتب اربعه و غیر آن وجود دارند که اشتراک اسمی با دیگر راویان همنام خود دارند. تشخیص آن و ضرورت تعیین مصداق و بازشناسی و جداسازی عنوان مشترک از یکدیگر کاری ضروری و دشوار است که نیازمند اطلاعات گسترده رجالی است. ناگفته پیداست برداشت ناصواب از آن می‌تواند سند را از اعتبار خارج سازد. هرچند از قرن یازدهم تاکنون تلاش‌هایی از سوی رجالیان صورت پذیرفته و راه‌حل‌هایی چون انصراف به فرد خاص، طبقات رجالی و راوی مروی عنه مورد شناسایی قرار گرفته‌اند؛<sup>۴</sup> در ادامه به چند نمونه اشاره می‌شود.

**نمونه اول:** در سندی تهذیب الاحکام می‌نویسد:

محمد بن علی بن محبوب، عن محمد بن عیسی، عن الحسن بن علی، عن عبدالله بن سنان، عن ابی عبدالله ع قال: سألته عن عورة المؤمن و... الحديث.<sup>۵</sup>

حسن بن علی، عند الاطلاق بین سه نفر مشترک است؛ ۱- حسن بن علی بن یقطين، ۲- حسن بن علی و شاء، ۳- حسن بن علی بن فضال، در صورت انصراف عنوان مذکور به ابن یقطين بی‌تردید روایت وی از عبدالله بن سنان مرسل است؛<sup>۶</sup> به جهت

۱. الکافی: ج ۲، ص ۵۲۷، ح ۱۷.

۲. الکافی: ج ۲، ص ۵۰۲، ح ۱.

۳. الکافی: ج ۴، ص ۹۸، ح ۲.

۴. شایان ذکر است تلاش‌هایی در تمییز مشترکات در محدوده کتب اربعه از محقق اردبیلی در جامع الرواة، مرحوم آیت‌الله بروجردی در الموسوعة الرجالية و آیت‌الله خویی در معجم رجال الحديث، صورت گرفته اما درباره دیگر کتب روایی از جمله وسائل الشیعه کاری انجام نگرفته است.

۵. تهذیب الاحکام: ج ۱، ص ۳۹۷، ح ۱۱.

۶. الموسوعة الرجالية: ج ۲، ص ۳۵۳.

ناسازگاری طبقه آن دو و نیز اینکه روایت ابن یقطين از عبدالله بن سنان در سندهای کتب اربعه گزارش نشده است. بدین سان مراد، حسن بن علی بن فضال و یا وشاء است. تتبع در سایر سندهای روایات نمایانگر اتحاد وی با حسن بن علی وشاء است.

**نمونه دوم:** سند الکافی چنین است:

سهل عن محمد بن عیسی، عن ابراهیم، عن محمد بن حکیم، قال:

کتب ابوالحسن موسی بن جعفر ع إلى أبي: أن الله أعلى و... الخبر.<sup>۱</sup>

ابراهیم در سند الکافی مشترک بین ابراهیم بن میمون و ابراهیم بن عبدالحمید و ابراهیم بن محمد همدانی است. در صورت انصراف ابراهیم به ابراهیم بن میمون و یا ابراهیم بن عبدالحمید، بی تردید روایت محمد بن عیسی - یقطینی - از آن دو مرسل است؛ زیرا محمد بن عیسی از اصحاب امام رضا و هادی و عسکری؟ عهم؟ به شمار می آید<sup>۲</sup> و بعد از وفات فضل بن شاذان (متوفای ۲۶۰ ق) درگذشت<sup>۳</sup> و از طبقه هفتم است،<sup>۴</sup> اما ابراهیم بن میمون از اصحاب امام صادق ع و از بزرگان طبقه پنجم به شمار می آید<sup>۵</sup> و روایت یقطینی از وی در سندهای اخبار گزارش نشده است، اما روایت یقطینی از ابراهیم بن عبدالحمید نیز مرسل است؛<sup>۶</sup> به لحاظ ناسازگاری طبقه آن دو، روایات یقطینی از وی با یک و در موارد بسیاری با دو واسطه نقل شده است.<sup>۸</sup> در همه موارد محمد بن عیسی به واسطه دهقان از درست واسطی و او از ابراهیم بن عبدالحمید روایت کرده است

۱. الکافی: ج ۱، ص ۱۰۲، ح ۶.

۲. رک. رجال الطوسی: ص ۳۹۳، ش ۷۶، ص ۴۲۲، ش ۱۰، ص ۴۳۵، ش ۳.

۳. اختیار معرفه الرجال: ش ۱۰۲۳.

۴. الموسوعه الرجاليه: ج ۴، ص ۳۴۲.

۵. رجال الطوسی: ص ۱۵۷، ش ۱۷۴۵.

۶. الموسوعه الرجاليه: ج ۴، ص ۳۴.

۷. الموسوعه الرجاليه: ج ۴، ص ۲۵.

۸. رک. الکافی: ج ۱، ص ۳۲، ح ۱ و ج ۵، ص ۱۶۲، ح ۳ و ج ۶، ص ۲۵۳، ح ۱ و ص ۳۱۶، ح ۴ و ص

۵۴۰، ح ۱۷ و...

و اما ابراهیم بن محمد همدانی، محذوری به لحاظ طبقه شناختی در روایت از یقینتی ندارد<sup>۱</sup> و در مواردی از سند‌های روایات نیز واقع شده است.<sup>۲</sup>

## نتیجه

پس از تألیف کتب اربعه در دوران استنساخ، آسیب‌های متوجه برخی سند‌های روایات کتب اربعه شده است که از آن جمله ارسال خفی است. این مشکل سبب شده که گاه روایتی معتبر و صحیح به غیر صحیح تبدیل شود. بدین جهت، کشف دلایل این‌گونه ارسال و راه‌های برون‌رفت آن در جای خود از مباحث مهم دانش رجال است. از جمع‌بندی یافته‌های این پژوهش می‌توان به نکات زیر دست‌یافت:

۱. راهکارهایی را می‌توان تعیین نمود که به کشف ارسال خفی در سند کمک کند تا راه را برای تشخیص مورد ارسال خفی هموار سازد. پنج راهکار اساسی برای شناخت ارسال خفی در اسناد روایات کتب اربعه مورد شناسایی قرار گرفت. از جمله آن‌ها طبقه‌شناسی راویان و مشایخ آنان، مصدریابی سند و متن حدیث در دیگر مصادر روایی است؛ بررسی طریق راویان حدیث، اختلاف نسخه‌ها و قرائن اجتهادی از جمله شیوه‌های شناسایی ارسال خفی به شمار می‌آید.

۲. بررسی و تحلیل در سند کتب اربعه نشان می‌دهد سه عامل یا نشانه ارسال خفی در سند روایات هست؛ تصحیف در نام و یا حروف وابسته به سند، قلب در نام راوی یا راویان، اشتراک در نام راوی و تعلیق در اسناد، از جمله عوامل ارسال خفی به شمار می‌آید.

۱. رجال الطوسی: ص ۳۶۷، ش ۱۶، ص ۳۹۷، ش ۲، ص ۴۰۹، ش ۸.

۲. رک. الکافی: ج ۵، ص ۲۷۰، ح ۲، تهذیب الاحکام: ج ۹، ص ۳۲۷، ح ۱۷ و...

## کتابنامه

۱. الاختصاص، مفید (محمد بن نعمان)، قم، کنگرة شیخ مفید. (۱۴۱۳ هـ. ق).
۲. اختیار معرفة الرجال، معروف به رجال الکشی، طوسی، محمد بن حسن، تحقیق: محمدتقی فاضل میبیدی و موسویان، ۱ ج، ط ۱، (۱۳۸۲ ش)، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳. الاستبصار، شیخ طوسی، ۴ ج، ط ۳، (۱۳۹۰ هـ. ق)، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۴. اصول الحدیث و احکامه فی علم الدراية، سبحانی، جعفر، (۱۴۱۹ ق)، قم، مؤسسه الإمام الصادق علیه السلام.
۵. اصول الحدیث، فضلی، عبدالهادی، ط ۲، (۱۴۱۶ هـ. ق)، قم، مؤسسه أم القرى للتحقیق و النشر.
۶. الأمالی، تحقیق: مؤسسه بعثت، ط ۱، (۱۴۱۴ هـ. ق)، قم، دارالثقافه للطباعة و النشر.
۷. الامالی، مفید محمد بن نعمان، تحقیق: استادولی و علی اکبر غفاری، چ ۲، بیروت، دارالمفید للطباعه و النشر (۱۴۱۴ ق).
۸. بحار الانوار، مجلسی، محمد باقر، ۱۱۰ ج، بیروت، مؤسسه الوفاء. (۱۴۰۲ هـ. ق).
۹. بحوث فی مبانی علم الرجال، سند، محمد، مقرر محمد صالح تبریزی، ط ۲، (۱۴۲۹ ق)، قم، مکتبه فذک.
۱۰. بصائر الدرجات، صفار، محمد بن حسن بن فروخ، ۱ ج، (۱۴۰۴ هـ. ق)، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۱۱. تجرید اسانید الکافی، طباطبائی، بروجردی، آقاحسین، استنساخ و تنظیم، میرزا مهدی صادقی، ۲ ج. بی تا.
۱۲. تدریب الراوی فی شرح تقریب الراوی النوای، سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر، تحقیق: عبدالوهاب عبداللطیف، ۲ ج، چ ۲، مدینه منوره، (۱۹۷۲ م-۱۳۹۲ ق) منشورات مکتبه العلمیه.
۱۳. التوحید، صدوق، (۱۳۹۸ ق ۱۳۵۷ ش) قم، نشر اسلامی.
۱۴. تهذیب الأحکام، ۱۰ ج، ط ۱، تعلیقہ علی اکبر عفری، تهران، مکتبه الصدوق، (۱۳۷۶ ش).

۱۵. تهذیب الأحكام، ۱۰ ج، ط ۴، (۱۳۶۵ ش)، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۶. تیسیر مصطلح الحدیث، طحان، محمود، ط ۶، (۱۴۰۴ ق) کویت، دارالتراث.
۱۷. جامع الرواة، اردبیلی، محمد علی، (۱۴۰۳ ق)، ۲ ج، ط ۱، تصحیح: ابوالحسن شعرانی، قم، مكتبة آیت الله مرعشی.
۱۸. الجامع فی الرجال، زنجانی، شیخ موسی، ۱ ج، ط ۱، (۱۳۹۴ ق) قم، چاپخانه پیروز.
۱۹. الخصال، صدوق، محمد بن علی، ۲ جلد در یک مجلد، ط ۲، (۱۴۰۳ هـ. ق) قم، نشر اسلامی.
۲۰. دانشنامه جهان اسلام، (مقاله) حسن فقیه عبداللهی، ج ۶، ط ۲، تهران، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، س ۱۳۷۵، هـ. ش.
۲۱. درایة الحدیث فی علم مصطلح الحدیث، شهید ثانی، ط ۱، نجف اشرف، مطبعة النعمان، بی تا.
۲۲. رجال البرقی، برقی، احمد بن محمد، (۱۴۲۰ ق) تحقیق: محمدجواد قیومی، ۱ ج، ط ۱، قم، نشر اسلامی.
۲۳. رجال الطوسی، تحقیق: محمدجواد قیومی، ۱ ج، ط ۱، (۱۴۲۰ هـ. ق)، قم، نشر اسلامی.
۲۴. رجال النجاشی، نجاشی، ابو العباس احمد بن علی، تحقیق: موسی زنجانی، ۱ ج، (۱۴۱۸ هـ. ق)، قم، نشر اسلامی.
۲۵. رساله أبي غالب الزراري وملحقاتها، زراري ابو غالب، تحقیق: محمد رضا حسینی، قم، (۱۴۱۱ ق) نشر بحوث تحقیقات اسلامی.
۲۶. الرعاية فی علم الدراية و البداية فی علم الدراية، شهید ثانی، رین الدین بن علی، تحقیق و ناشر، مرکز ابحاث و دراسات اسلامی، ط ۱، (۱۳۸۱ ش)، قم.
۲۷. سبل السلام لشرح بلوغ المرام، کحالی، محمد بن اسماعیل، گردآوری و تعلیق، محمد عبدالعزیز خولی، چ ۴، (۱۳۷۹ ق - ۱۷۴۰ م)، مصر، نشر مصطفی و پسران.
۲۸. علل الحدیث، بهبودی، محمد باقر، ط ۱، ۱۳۷۸، ش تهران، انتشارات سنا.
۲۹. علل الشرايع، شیخ صدوق، قم، انتشارات مكتبة الداوری، بی تا.

۳۰. علوم الحديث و مصطلحه، صالح، صبحی، ط ۱۸، (۱۹۹۱ م)، بیروت، دارالعلم للملایین.
۳۱. عیون أخبار الرضا، شیخ صدوق، ۲ ج، ط ۱، (۱۳۷۸ ش)، تهران، انتشارات جهان.
۳۲. الغیبه، نعمانی، محمد بن ابراهیم، تهران، مكتبة الصدوق. (۱۳۹۷ ق).
۳۳. فتح المغیث بشرح الفیه الحديث، ۵ ج، سخاوی، محمد بن عبدالرحمان، تحقیق: علی حسین علی، ط ۱، (۱۴۱۵ ق) قاهره، مكتبة السنه.
۳۴. فرج المهموم فی تاریخ علماء النجوم، ابن طاووس، علی بن موسی، حلی، (سید بن طاووس)، ۱ ج، ط ۱، قم، دارالذخائر.
۳۵. الفهرست، تحقیق: جواد قیومی، (۱۴۱۷ ق)، قم، نشر فقاهاه. ۴۵. الکافی، کلینی، محمد بن یعقوب ج، ط ۴، (۱۳۶۵ ش) تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۶. الفهرست، تحقیق: محمدصادق بحر العلوم، نجف اشرف: مكتبة المرتضویه، بی تا.
۳۷. قاموس الرجال، ۱۲ ج، شوشتری، محمد تقی، (۱۴۲۲ ق) ط، (۱۴۲۲ ق)، قم، نشر اسلامی.
۳۸. لسان العرب، ابن منظور (جمال الدین)، ۱۶ ج، قم، نشر أدب الحوزه.
۳۹. لمحاسن، برقی تحقیق: سید جلال الدین حسینی، ط ۱، ۱۳۷۰ ش تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۴۰. مجمع البحرين، طریحی، فخرالدین، تحقیق: ۷ ج در سه مجلد، (۱۴۱۴ ق)، قم، نشر اسلامی.
۴۱. مرآة العقول فی شرح اخبار الرسول، تهران، دارالکتب الاسلامیه. (۱۳۷۴ ش).
۴۲. معجم رجال الحديث، خویی، ابو القاسم، موسوی ۲۳ ج، ط ۳، (۱۴۱۳ ق) قم، مدينه العلم.
۴۳. معجم مقاییس اللغة، ابن فارس، ابوالحسین، احمد، (۱۴۲۳ ق) ط ۱، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴۴. مقباس الهدایة فی علم الدراية، مامقانی، عبدالله، تحقیق: محمدرضا مامقانی، قم، مؤسسه آل البيت. (۱۴۱۱ هـ. ق).
۴۵. من لا یحضره الفقیه، صدوق، ۴ ج، ط ۳، (۱۴۱۳ هـ. ق)، قم، نشر اسلامی.



٤٦. منتقى الجمال، ابن الدين، حسن، (١٤٠٧ ق)، ٣ ج، نشر اسلامى، قم.
٤٧. منتهى المقال، حائرى، ابوعلی محمد بن اسماعيل ١ ج، ط ١، (١٤١٦ ق)، قم، آل البيت عليه السلام.
٤٨. المنهج الرجالي و العمل الرائد، حسينى جلالى، محمد رضا، ط ١، ١٣٧٨ (ش) قم، دفتر تبليغات اسلامى.
٤٩. الموسوعة الرجاليه، ٧ ج، ط ١، مشهد، آستان قدس رضوى، (١٤١٣ ق).
٥٠. النكت على كتاب ابن الصلاح، عسقلانى، ابن حجر، تحقيق و تصحيح، مسعود عبد الحميد السعدنى، محمد فارس، ج ١، (١٤١٤ هـ - ١٩٩٤ م)، بيروت، دار الكتاب العلمية.
٥١. نهاية التقرير فى مباحث الصلاة، مقرر، فاضل لنكرانى، تحقيق و نشر، مركز فقهى ائمه اطهار، ط ١، (١٤٢٠ ق).
٥٢. نهاية الدراية، شرح الوجيزه شيخ بهائى، صدر، سيد حسن، تحقيق: ماجد الغرباوى، قم، نشر مشعر.
٥٣. وسائل الشيعه، محمد بن حسن، معروف به شيخ حر عاملى، تحقيق و نشر، قم، آل البيت، ٣٠ ج. (١٤٠٩ هـ. ق).

